



۲۰۱۸/۰۸/۲۵



رسول پویان

کعبه دل



کعبه دل که بی ریا بینی
خانه سنگ و گل چه میجویی
از سیاحت چو بگذری حاجی
رو به معبود آسمانی کن
از تجارت مجو عبادت را
گر زمکر و ریا کنی پرهیز
کبر و آزات اگر شود دانش
گر طلسم تعصب و تبعیض
مذهب تان اگر شود عرفان
گرشوی یار وحشت و افراط
ورکنی عدل و داد پیشه خود
گر مساوات را دهی بر باد
آب چشم دل ات اگر ریزد
کور گردد چو دیده تدبیر
گرزمین را کشی ز ذکر خدا
قبله را چارسو روا بینی
هر طرف رو کنی خدا بینی
کعبه در کوخ بینوا بینی
کعبه و کربلا چرا بینی
جای حق سکه طلا بینی
همه نور دل و صفا بینی
خویش را خاک زیر پا بینی
بشکنی، ذهن و دل رها بینی
جمله ادیان همنوا بینی
ملل و خلق را جدا بینی
پادشاه کم تر از گدا بینی
همه یک بام و دو هوا بینی
روی بی شرم و بی حیا بینی
خصم را یار و آشنا بینی
چرس و تریاک و مافیا بینی

در وطن ماتم و عزا بینی	سر نهی گر به خط افراطی
دل بی نور هر کجا بینی	مهر را گر کنند زنده به گور
ترس و دلهره و بلا بینی	وحشت از شهروروستا جوشد
از سیاستگر خطا بینی	همه جا فتنه و دروغ و نفاق
جنگ اقوام در سرا بینی	دنبه می گنند از درون خود
هر کجا جنگ و ماجرا بینی	همه با نقشه می شود اجرا
بلبل و گل ز هم جدا بینی	حرف وحدت که خار دلها شد
رو و دل سنگ سنگپا بینی	کینه و عقده کرده دلها سنگ

